

غارت موجودی بانک

در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ آندریک فرانسس فردیناند ۴ وارث تاج و تخت خاندان هپسبرگ و ولیعهد اتریش که برای بازدید قوای نظامی به سراجو مرکز ایالت بزنیا رفته بود (بزنیا و هرزگونیا دو ایالتی بود که اتریش در ۱۹۹۸ ضمیمه خاک خود ساخته بود) هدف بمبی که یکنفر بطرف او پرت کرده بود قرار گرفت و دو نفر از ملتزمین او و شش نفر از تماشاچیان مجروح گردیدند بعداً بتالار شهرداری رفت و نطقهای سرد و بی روحی مبادله گردید و سپس تصمیم گرفت به بیمارستان برای معاینه مجروحین برود و در کوچه های تنگ سراجو محصلی بنام پرنزیپ از اهل بزنیا سه تیر باو و یک تیر بهمسرش شلیک کرد ولیعهد آنا و همسرش بعد از چند دقیقه جان سپردند.

دولت اتریش که در آن وقت با مجارستان امپراطوری اتریش هنگری را تشکیل داده بودند این فاجعه را نتیجه دسیسه و تحریکات سربستان که داعیه تمرکز هم نژادهای اسلاو و ایجاد سربستان کبیر را داشت تلقی نمود و اولتیماتوم سختی بسربستان دادند که مورد قبول قرار نگرفت و سپس روسیه بحمايت سربستان و آلمان بکمک اتریش برخاستند و دول بزرگ وارد معرکه شده و بدین ترتیب متفقین (روس و انگلیس و فرانسه) و متحدین (آلمان و اتریش) در مقابل هم قرار گرفتند و جنگ بین المللی اول شروع گردید. ایتالی که متحد آلمان و اتریش بود بعلت اختلاف عمیقکه راجع بمنطقه تیول با اتریش داشت نه فقط از متحدین خود رو گرداند بلکه بر علیه آنها وارد جنگ شد. آلمانها بهترین قشون دنیا را در خشکی داشتند ولی در دریاها حریف انگلیس نبودند و با وجود اینکه تحت البحریهای آلمان تلفات زیادی بکشتیهای تجارتي انگلیس و متفقین آن وارد ساخت قادر نگردیدند بخط محاصره بحریرا که روز بروز محکمتر و تنگتر میشد بنحو مؤثری بشکافند و اثرات آتراختنی نمایند لذا دولت آلمان چنین صلاح دید که از راه ترکیه و بین النهرین (عراق فعلی) و ایران بمنابع نفت جنوب ایران دست یافته بحریه انگلیس را که جاننش بنفت مزبور بسته بود فلج سازد و با ایجاد اغتشاش در افغانستان و هندوستان و از بیسن بردن نفوذ انگلیس ایندولت را نیمه جان نموده و امپراطوریش را مثلثی کند برای ایسن

مقصود عده‌ای از زبردست‌ترین عمال خود را که هرکدام در وظایف و میدان عملیاتیکه بآنها محول شده بود اعجوبه روزگار بودند بترکیه و عراق و ایران اعزام داشتند تا احساسات عمومی را که در سه کشور مزبور برعلیه روس و انگلیس بود برانگیخته و دولتهای آنها را برعلیه متفقین بجنگ بکشاندند و در صورتیکه زمامداران این ممالک روی خوش‌نشان ندهند آنها را از کار برکنار کرده افرادیراکه با سیاست‌آنها همراه هستند در رأس امور بگمارند و چنانچه با تمام جهد و کوشش بشاهد مراد نزدیک نشدند در آن ممالک آشوب و بلوا برپا کنند و بالتبع تجارت و نفوذ متفقین را محو و نابود نمایند .

برای انجام منظوره‌های فوق آلمانها معادل چهل کرور تومان لیره طلای عثمانی بایران آورده بودند (در اینجا بی‌مناسبت نیست این نکته علاوه شود که آمریکا با وجود اینکه از قدرت روز افزون و تجارت خارجی از حد بیرون آلمان دل خوشی نداشت در ابتدا بیطرفی اختیار کرد و سالها بعد یعنی در ششم آوریل ۱۹۱۷ برعلیه آلمانها وارد جنگ شد) ، بمناسبت اینکه مستشاران نظامی ارتش ترکیه آلمانی بودند و ژنرال لیمان ون ساندرس آلمانی که رئیس مستشاران بود از روابط صمیمانه که با انور پاشا داشت نفوذ زیادی در صفوف ارتش عثمانی بهمرسانده بود چند ماه بعد از شروع جنگ برله آلمان بصحنه جنگ کشانده شد . گفته شد آلمانها عده‌ای از مأمورین فعال و مبرز خود را از قبیل واسموس - نیدرمایر زایلر - شومان که در هوش و فراست و ابتکار و لیاقت و بی باکی و شجاعت بی نظیریاکم نظیر بودند بایران فرستادند و بعد از چندی نیدر مایر مأمور افغانستان شد و چون انگلیسها تمام سرحدیکه قابل عبور بود زنجیروار بسته بودند نیدرمایر خود را بیک مزرعه گندم خیلی وسیع در خاک ایران که تا آنطرف سرحد امتداد داشت رسانید و بطور سینه مال از جویهای کوچک پر آب و لجن بین مزارع پیش رفته تا از آنطرف سر در آورده خود را سالم داخل خاک افغانستان کرد .

عملیات حیرت انگیز واسموس را هم در جنوب ایران که تمام ایالات را برانگیخت و باخود همراه ساخت حاجت بذکر نیست حتی شنیده شد که بعد از اینکه ظاهراً "مسلمان شد عمامه بپوشید" داشت و نقش امام جماعت را بازی میکرد و گروهی در نماز جماعت با او اقتدار میکردند اما آنچه در اصفهان زادگاه من اتفاق افتاد بهینقرار است :

آلمانها عده‌ای از اشخاص حادثه جو و بی باک را که برای هرکاری آمادگی داشتند از آذربایجان و کردستان و بعضی نقاط دیگر استخدام کرده که هنگام ضرورت کسانیراکه مانع پیشرفت مقاصد آنها بودند خواه قونسولها و اتباع خارجی و خواه عناصر داخلی از هر طبقه و در هر مقام که باشند از میان بردارند .

در آن اوقات ژاندارمری ایران که یگانه نیروی مجهز و دیسیپلینه ملی بود و تحت

نظر افسران سوئدی اداره میشد و نفرات آنها به نه هزار بالغ میگردد و حفظ نظم مملکت را بعهدده داشت در اثرانقلابات داخلی تقریباً متلاشی و از هم پاشیده شده بود بیشتر افسران سوئدی متمایل بآلمانها بودند و لذا عده‌ای از ژاندارمهای آنها برخلاف نظر دولت یاروسها وارد کار زار شد و تارومار گردید عده‌ای هم باکمینه ملی رفتند و گروههایی هم در شهرهای مختلف بچریکها که تحت اوامر آلمانها بودند پیوستند و عده کمی با دو سه نفر افسر سوئدی در تهران ماندند .

در اصفهان شرمان آلمانی سربازخانه فرح‌آباد را که خالی از ژاندارم شده بود با سواران چریک خود اشغال کرده بود . رشته نظم در داخل شهر بکلی گسسته و اغتشاش و ناامنی باوج خود رسیده بود و هرچند روز یکی از اتباع متفقین یا دوستان ایرانی آنها بوسیله مزدوران آلمانی کشته میشد .

یکروز در چهار باغ از لابلای گندم مقابل مهمانخانه مختاری سابق رئیس بانک استقراضی روس را تیر زدند چند شب بعد در بازار مسگرها قریب خان معروف که سابقاً "یکی از سواران مقرب ظل‌السلطان بود و در سوار خوبی و تیر اندازی نظیر نداشت هدف تیر قرار گرفت و کشته شد هفته بعد مستر گراهام قونسول انگلیس را در بستر زاینده رود هنگامیکه یک سوار هندی را برای تسلیم یک تلگرام بنلگرافخانه جلفا فرستاده بود و منتظر برگشت او بود تیر زدند و مجروح ساختند ولی موفق بفرار شد و سوار هندی دیگری که مستحفظ او بود کشته شد .

در فرح‌آباد که روزی محل تعلیم فنون سپاهیگری به‌بهرترین و محبوبترین افراد نظامی وقت ایران یعنی پادگان ژاندارمری بود عده‌ای چریک مرکب از اشرار و یاغیها و عناصر نامطلوب باضافه چند نفر مردان صالح نیکنام که معلوم نبود چطور در آن معجون راه یافته بودند مستقر شده و تحت فرماندهی شرمان آلمانی بودند . چریکهای مزبور عبارت بودند از علیخان سیاهکوهی یاغی بایکصد نفر . محمود خان استکی یاغی (اصفهان) که قبلاً یکی از سرکردگان نایب حسین کاشی بود با پنجاه و پنج نفر یک سرکرده خوانساری بنام حسینخان با هفتاد و پنج نفر و منتصرالدوله و دامادش که شخص محترمی بود و با سایرین مطلقاً سنخیت نداشت با پانزده نفر و گارد محافظ شرمان آلمانی که شامل ده سوار کرد بود . بعداً نایب جلال‌خان افسر ژاندارمری با پنجاه نفر ژاندارم که تحت اختیار داشت بشرمان ملحق گردید . آلمانها بدان سبب که احساسات عمومی علی‌رغم روسو انگلیس برله آنها بود چنان نفوذ و قدرتی بدست آورده بودند که دیگر هیچکس جرئت مخالفت با آنها را نمیکرد و چون ضمناً خیال تصاحب وجوه موجود در بانک شاهنشاهی را داشتند محرمانه جاسوسانیرا در حول و حوش آن گمارده بودند که انگلیسها نقدینه بانک را حتی—

الامکان خارج نمایند .

بالاخره فشار بر اتباع روس وانگلیس بقدری زیاد شد و قیافه زندگی بطوری برای آنها تنگ گشت که ناگزیر شدند دسته جمعی از اصفهان کوچ کرده بکشورهای خویش مراجعت نمایند و مقامات بانکی محافظت بانک را بحاکم اصفهان سپردند . در آن گیرودار یگانه قدرت محلی که آلمانها تا حدی یالاقل ظاهرا از آن حساب میبردند قدرت جنگی خان حاکم بود که گرچه بیش از پنجاه سوار نبود ولی چون تصور میشد در صورت وقوع جنگ ایل بحمایت خان برخیزد باملاحظه و مدارا با اورفتار میکردند .

بالاخره آلمانها رودر بایستی را کنار گذارده بحاکم پیغام دادند که چون تمام موءسسات تجاری و بانکی انگلیسی برای تثبیت نفوذ و سیادت انگلستان کار میکنند و یکی از لانه های جاسوسی انگلیسها بانک شاهنشاهی است لذا وجوه آن باید تحویل آنها گردد و همه آثار آن از بین برود که دیگر بانک شاهنشاهی مطلقا موجودیت نداشته باشد . خان که مدتهاست رخت از این جهان بر بسته و استخوانهای او خاک شده و نمی خواهم نام او را ذکر نمایم جواب داد که حفاظت بانک باو سپرده شده و او مسئولیت رسمی دارد و اجازه چنین عمل ناروایی را نخواهد داد . هفته بعد پیغامی تندتر و خشن تر برای حاکم فرستاده شد که قبل از اینکه قشون آلمان بشرق وسطی سرازیر شود آلمانهای موجود در ایران بحمایت ایرانیهای وطن پرست و قوای نیمه نظامی خود سرتاسر ایران را از لوث نفوذ دشمنان روس و انگلیس پاک خواهد کرد و هر مقاومتی که از هواخواهان یا دست نشاندهگان آنها ابراز شود در هم خواهند کوبید و صلاح حاکم اینست که از در دوستی درآید و نگذارد روابط آنها وخیم و غیر قابل اصلاح گردد . حاکم پس از دریافت پیغام خشونت انگیز آلمانها روح لری او به جستجو ش آمده پاسخ فرستاد که اگر کوچکترین تجاوزی باموال بانک که باو سپرده شده بعمل آید متجاوز یا متجاوزین جان سالم بدر نخواهند برد و جدا در مقام برآمد که زور را با زور جواب گوید .

در این اثنا آن عده از اهالی اصفهان که از این ماجرا مستحضر شدند موضوع را دهان بدهان بدیگران اطلاع دادند و لذا عامه مردم مضطرب و بیمناک گردیدند چون پرواضح بود اگر جنگ درگیر شود و افراد ایل بکمک خان حاکم بشتابند و باصفهان سرازیر گردند و آلمانها هم باز براستعداد جنگی خود بیفزایند اصفهان یکپارچه آتش خواهد شد و عاقبت مصیبت باری خواهد داشت لذا آلمانها پس از یک جلسه سری بطور خیلی محرمانه بحاکم اطلاع دادند که تا ممکن است از در مصالحت درآیند چرا راه معاندت در پیش گیرند و علاج واقعه نیشتری است که بر دمل تیرگی روابط فیما بین بزنند و آن نشتر قبول اصل نصفلی و